

نویسد

(وابسته به حزب سوده ایمران)

شماره ۱۴ - شنبه ۱۷ دیماه ۱۳۶۱

تحلیلی از آشوب‌های اخیر و محرک‌ها و هدف‌های آن ...

چه کسی سنگ می اندازد؟



دریسه های قبسه شنه شنه در ماه سردی دارد
 خوراگه درختان دانشموی شود . جراح ها را
 روشن کند و با سر و پا و های و همی مدی درخت
 را از جراب میدار ی کند . یعنی چشم آن‌ها در هفت
 با تکی کوبید . شیشه پاره ها را می کشد . سرها را
 و ازکی می سازد و شمارهای نده سیاسی و دهه
 دفتر خوراگه را به هم می بزند و آنگاه بسه انشطار
 می ایستد . . . در فایلی بعد ماموران گارد دانشگاه
 دران دران سر می رسند ، مباحث ناشناس را کسان
 کسان با خود می برند و در این حال اورا نیز بسازان
 دشمنان و ترکه انواع نیده می گویند . دانشمویان
 خواب آلود و با حیرت ناظر این صحنه می ایستند .
 چندتن از دختران دانشموی از سر کنگاوی
 دران ماموران و مباحث دستگیر شده می روند . در
 محوطه تازله خلوی خوراگه ماموران به خیال این که
 کسی حراطت آنها نیست ، دست از گریبان مباحث
 بر می دارند . همه با هم شروع به خنده می کنند . یکی
 از بزرگ‌ها از جوان می پرسد :
 - خوب همه چیز را به هم ریختی ؟
 جوان به علامت تصدیق سر تکان می دهد . یکی دیگر
 از بزرگ‌ها با لحن دوستانه او پیشنهاد می کند :
 - بروم دفتر به جای مباحث بچوریم ...

اندری مطبوعات کار گرفته و گرد باد آزادی در لای پلین هسای
 دواتی که نام روزنامه را لکه در آورده اند ، پهنه گشته است !
 چگونه است که خبر تکست شیشه کلا سر در وسط
 دانشموی ؟ استثنوی تکست لایوی ارک یا سنگه انداختن به بسکه
 شیشه پانله صادرات و با حروف چاپ و لکه با شاج بیرون
 ها نقش می بندد ، اما خبر انتصاب . . . کارگر کارخانه هسای
 بنز حاور ، بیرون زند لرم های شاه به کارگران اختیاری و اختیاری
 دسته جمعی آنها بازداشت سخنگوشان ، حتی یکی دو مطهر
 ناقابل از شن های برپاوه رفتی نامه هارا اشتغال نمی کند آنچه
 روی داده که خبر تکست شدن شیشه های پانله کارگران اختیاری
 بیشتر از خبر طعمیان های درون ارتش و بازداشت گروهی از
 افسران و درجه دران وحشی صاحب ضعیفان ارتش نظامی کسب
 کرده است ! ؟ چرا اختیاریان ؟ ؟ طایفی و شصت و چهل و
 وکیل دادگستری به لولاج غیر قانونی جدید دادگستری و حفظه
 ساواک بر اثر تقاضای و ارباب و اشراف این فئات شریف و آزاد باز
 در اسرا در هیچ جریده ای در نمی کشد ، نظایرات فاسد
 اختیاری و افشارگر توده های مردم در صحنه شعله در چند صد
 نفری در خیابانهای تهران و بسیاری از شهرها در روزهای
 هژاد لری و هاشمورا ، به سخن گشای می شود ، باطلتات شیشه
 پانله به اصطلاح " دانشموی " ، پانله روزنامه های گرد و در نظایرین
 و رادویی دولتی باطله و تفصل بازرگی می شود ؟

دیناله در شماره ۲

حادثه فنی که جزئیات آن از طرف چند شاهد عینی نقل
 شده در چهار روزنامه صبح و عصر کشور ، پانله انشا و لعلد ،
 همین چنین منگم کرده ؟
 در ساعت ۲ با باد ۱۰/۱۰/۶۱ ، یکی از دانشمویان
 در آنتنکه معلوم سالن کوی دانشگاه با تکستن شیشه در
 ورودی یکی از خوابگاههای دختران واقع در راهر آباد
 وارد خوابگاه شد و پس از قطع سیم تلفن و آیفون ، چند
 جام از شیشه های خوابگاه را شکست و سپس به دفتر
 سرپرستی کوی مراجعه و در حال تکستن سیمایل موجود
 در دفتر ، توسط ماموران گارد دانشگاه دستگیر چون
 هنگام تکستن شیشه ها زنی شده بود ، در بیمارستان
 بستری گردید .

این حادثه در محلی می دهد ؟ واضح است ؟
 رژیم آشوب جنشی به راه می اندازد ، حادثه آفرینی می کند ،
 زینام دانشموی شیشه های پنجره های کلا بساوا و دانشموی ها را
 می شکند ، به باکیا و وسوسات عمومی و عمومی پوش می بزند ،
 ماموران نظایر ارتشرا و امدا ارد تادر شاهراه ایرو اتومبیل
 مشاور راهنمایی کوی دانشگاه تهران را متوقف کسو اورا به یاد
 کتک بکوبند و آنگاه در روزنامه های دست آید زن بیامرانسه
 منگمی می کند که مباحثان متزلی شده ، در دانشموی
 بوده اند . . .
 و همین است که همه این صحنه سازها و طعمیان می دستگیر
 در روزنامه های ساواک زده که از توطئه سانسور حقیق سانسور
 گرفته اند و با آیه و تاپ نقل می شود ! (البته در همه روزنامه هسا
 پانله انشا و پانله من گلیته ای !)
 آیا چاه این همه خبر ریز و درشت از حوادثی که ناچند می
 پیشتر گفته ای : آن به مراد راه می یافت ، به خودی خود
 فک انکتر نیست ؟ بلکه به مرمت حلا و نامدا ارتش سانسور

تهران ، پایتخت توطئه جهانی

در لای خورواها خلق و شتاب ریزگری های دیپلماتیک پیچیده
 شده بود ، بهاتوجه به رابطه هر یک از این مباحث سرشناس
 بهران ها وساطت خلقای وسیعانی به بی توان به امدادی وساطت
 مذاکرات چند جانبه تهران می بود . مذاکرات " سوز پاره پاره " با
 شاه پس از آمدن بزرگترین و بگت و گروهای خصوصی روس چند سلسله
 اور به طور غیر مستقیم در حاحبه طبعی شاه منعکس شد .
 شاه دران حاحبه علما به دولت انگلیزی انبوی که در کوی بسکه
 جنگ و بسج تند اعمی استاضطر کرد : " ماسی توانیم نسبت بسه
 نیاز به مرزهای سیاسی بی تفاوت بمانیم . " در این جمله کوتاه
 شماره شاهی چشم و کسک ارتجاع و بطوله او از سببه انکه ارتجاع
 منطقه با همکاری امپریالیسم پانگی برای در هم تکستن طاقت خلق
 مبارزات خصوصی جدید است ، نمایان شد . انبوی ، به شایسته موقعیت
 مهم استراتژیته آن در ارتقا و کنترل طبیعی اش بر آبراه دریای
 سوز ، در پی توطئه انقلاب باطل و دیکر انکیت و صد امپریالیستی ، به
 صورت خلوی در چشم امپریالیسم جهانی و ارتجاع سلی ، به سوز
 ارتجاع عرب در آمده است . از او مگای امپریالیست ، تاچین مالو
 زده و مهر و سوزان و پرستان سمودی و بین شالی و سوزالی
 و از چندی پیش شاه ایران ، برای موشه هله های این انقلاب بگ
 امدتا به نیروی در هفتان آزاد شده و کارگران زمینگشان شهر و
 زمینگران تکه در لرد ، دست در دست هم نهاده اند . در حالی
 که سرازان سوزانی و ارتش سوزالی علنا دستبها بر دامن خلق
 انبوی (اونی در لرتیره روسی برای موشه هله های این انقلاب) سوزگر می
 حکم اند اضطر شاه ایران به دولت انگلیز می انبوی که هیچ اختلا
 دیناله در شماره ۲

تفسیری پیرامین سفر زیاد باره
طک حسین مکارتر و نیز مسافرت
پنهانی موشه ایان به تهران ...

تهران در هفته گذشته پایتخت توطئه های جهانی منطقه
 کره سیاست های امپریالیستی و ارتجاعی در منطقه بود . سفرهای
 هژمان زیاد باره ، رئیس جمهوری روسی ، ملک حسن بهاد شای
 اردن ، روسی گزرو رئیس جمهوری ارمنی و روسی سرود ای
 موشه ایان و ملاقات سوزی ارناشاه که در نهایتا اتفاقا مسوت
 گرفت ، و سپس سفر تزاول شیا اعمی ، برهبر کردن حیان مرتجع
 پاکستان ، از تدر ان توتئه هارا و تانی های ناسا لم و سوز " طن
 انگیزی خبر می دهد . در حالی که سفر موشه ایان که رادیسو
 نندن در گفتار شب ۷ دیماه از آن بوده بر داشت ، با مسکوت کامل
 و بی تعانی محافل رسمی ایران رو پوشد ، در لرتیره انگیزه هساوا
 نتایج امن سفر دیگر هژمان جهان نیز نتایج فارسی و
 به به وجهه های بی بو و بی حاشیت و در اختیاری های رسمی طلب
 زیاد و منتشر نشد . از لعل ل همن رگه ها و موشه هنجیزی که

دیناله در شماره ۲

چه کسی سنگ می اندازد ؟

پایخ این جرها و دها نظیر آن دشوار نیست . تنها اخباری جواز ورود به روزنامه ها و نیز کنترل سازمانی گندک در خدمت نهادت سیاست های ضد مردمی او در آمد . دستنگ اخباری که از ضایع سانسور می گردند ، چنان سخن و نیز و رو می شوند ، چنان تغییر فرامه می دهند ، که لباس کدانی حطرتی سیاسی بر تن آنها خنجر فراره بایستد .

فراخیزش کیمیک که بسیار از تباطاط جسمی و حتی در دیگر کارترین سالک سرمایه داری و در نهایت سرور تیره سرمایه دارانه نشویند آنها همان طوطی است که آریاب قدرتمندانه میانان و صاحبان نظم طبقاتی و در حلقی آنها می ریزند . در کشور های نظیر ایران که در زیر سایه دیکتاتور و سانسور آشفته اند ، روزنامه ها حتی در حیطه و طریقت معط ظاهر راهم ندارند ، بلکه های و رنگهای هستند که در حیطه های دیکتاتور و رفرف می کنند و رنگهای رسوایان حقیقت اند ، به دیکتاتور و سانسور و سخره ای بدل می سازند که باید برای دیکتاتور و حسی گری و خوشترقی کند ، همبیز و نطق بکیند و مدیده بخوانند .

در جسی فضای شناختند آنگاه است که هراسان اندک هوشند که از خود می پرسد که ضد و غرض و ریزم از انشمار این ضد خوب است و دروغ و مسموم و شیشه جگش و مغرب کردن چیست ؟ آفرمایان آن قدر شوراست که حتی راوری می . بی . می . لند . با هم ریزند و ترید از آن با می گوید . راهی نشدن در گذار فرسی شب هشتاد دیماه گفت : این انشمار را نباید آید ، باید که انشمار بچه در مرکز آمویش زبان انگلیسی انشمار ایران و امریکه است ؟ انعام نده تا به رئیس جمعی امریکا شرطی را که شروز گندک از امریکه و خودم را بر است .

راه بیوندن ای برداشت را با توضیح این نکته بر رگشتر می کشد :

گروههای وادیکال در اوایل در طول سال جاری از دست زدن به افعال خشونت آمیز خودداری کرده اند .

سوازه از یک آلود کردن آنچه ضد نظر گذر آرد ؟ در پشت این بلواهای کاذب ، این صحنه سازیهای و ماجراجوییها این گروه ساختن از خرد گاههای برانگیده ، چه نمایش و توخلفی می تواند دیده شود ؟

به راه انداختن آشوبهای مصنوعی و ایجاد محیطی در جوهرترین کانتین های مخالفان ولایت کردن هدف و خواست های اصولی مبارزان و معاندان رژیم مطلقه ، بر روی دیگر سیاست جنایی و ارتعاب است که در سر مقاله شماره گذشته تهیه به اشنای جوانی از آن بر دلغتم .

سیاست ایجاد بلواهای مصنوعی و ترغیب ماجراجویها مصلحت چند گانه ای را تعقیب می کند که اهم آن به شرح زیر است :

- ۱- انحراف مبارزه طبقاتی به مسیر خرد و گری و ماجراجویی .
- ۲- لوت کردن هدفهای مخالفان و مبارزان بر سر رایسور توده های مردم ایران و افکار صحیح جهان .
- ۳- برده پشی افتراهای و طوطیهای مبارزات اصولی صند ها .
- ۴- تظاهر و ایجاد آزادیهای اجتماعی و طبوقاتی و فغان سانسور .
- ۵- ترساندن عناصر و کترهای ناراضی و گله مند سرمایه داران و گروههای درونیه بیشتر درین مهم .
- ۶- کدو کار و شناخت دقیق هر یک از جنبه های این سیاست شارلاتانی و ضد عقلی ملایم افشاری هر چه وسیع تر آن بسیار می دهد .

انحراف مبارزه طبقاتی به مسیر خرد کاری و ماجراجویی

خبر طرد مبارزات مبارز ایران به سازمانها و درگسی انحراف ، بنشست ، برکنندگی و تخمیر های متکین و ناگام و سرانجام در خدمت ترین گردنهای آن راه درست و طری مبارزه را باقیته است . فائق آمد جنبش بر انحرافات راست و چپ که سال های طولانی باعث نند شدن انرژی انقلابی و تحلیل بنیه جنبش و ضعف و غریبه پذیری آن شده بود . برای راهبرای اتحاد مصلح نیروها ، همکاری عناصر و نمایندگان قشرها و طبقات کوشش اجتماعی در یک جنبه ضد دیکتاتوری گردید . این تحمل بیبها و درشت ریش نفاذ های درونی جامعه ما ، بهر نسی و تکامل نیروها مولده از یقه سوو و شکستی و انلاسی سیاسی و احادی و

اجتماعی و به تدریج به مبارز حسی درنگن داد . در حال و هوای

سلسله حبابی که گرایش ها مان به سو دروهای سوسالیم و صلح و پیشرفت اجتماعی است ، شرایط لازم برای برپیدن طوطی دار بدست دیکتاتور فراهم آمده است . رژیم به هم خود بسرا می پیشگویی از این تحمل ، بازگرداندن آبرفته به حوی به دست و با ابتاده است . این کوشش تا جنبش را به پراخه بکشد و هدف های انحرافی یا حداقل فریب های حادی هدفهای باقیاتسه اصلی و اصولی بنشاند . این ضد با جان میدن در کالکند ربه انشمار شیوه ها و چهره ریزانه نیز و سوسالیم ناکسیف تر جنبش به ماجراجویی و سرده گریهای بگلگانه و شایزه ، و انکاف پذیر است . رژیم سازمانی خوبی در اندک شکستن شیشه های کلاس و با سنگباران مبارزه ها و سوسالیم خصوصی و دولتی و آتش زدن انویسور و تشنگه ، مبارزه سیاسی نیست . با این حواد خود صدها نظیر آن حتی خراسان بر تن رهی که جراف کندی می شرفا و اهرها و بخار ناچینی را در دست دارد ، بنی اند . چه بچهر (برای رهی) که حاد به قشری و احساساتی این ماجراجویی ها اندیشه و حرکت و صحت طلبانه و شکل برده های مخالف و سوسالیم به کام و نظمی آنها را خنده در کند و از برای این نیروهای بالقوه جنبش را همان خرد گریها - درست تر بگویم - این حرکت است . حسی و زنان بخش کوزگانه - و راه آن تنوع طلبه - خطی در این دسیسه ، به شاه بازی زن و هدفی و یکه تیر است . جسم توجه قستی از نیروهای ماضی و زشتا بگتر و کم آگاه جبهه به جای شکل بر یکه حبیبه و لند و پشوره و قرار گرفتن در یک سازمان سیاسی ، و رنگر ها با انعطاف و سنجیده ، بی نمودن سیه فرستاده می شود ، هم بهانه و دستاویز نظری برای محسور و دفاعت و هجوم و عهدان داری پلین تحت نظارت قانون و نظم و دفاع از موازین اخلاقی و ترشیده می شود .

لوت کردن هدفهای مبارزان

شرایط صحتی انعام نمای نیروهای مخالف رژیم دیکتاتور در هر روز به شاز بیش ترا می گردد و در این کشور ، حرکت حسی می آید ، دمای بی وقفه در به هم پیوستن نیروهای مختلف تحلیلی می یابد . شملر آنها همه نیروهای ضد سلطنت طلبه جانیبه فرازنده ای می یابد و افکار آنچ کیننده قشرها و گروهها و طبقات مختلف از این شمار صدها بر اینها شادان تنگ می کشد . سوازه در این حال بر آنست که ما همین شمارهای مستعده و پس حرکت های مردمی و قابل درزه با اجماعت آفرینی های جورا و جور و حتمال های کاذب و تباهیجات فردی بر خاسته باشد اما بی ریشه و لیس مال کند و همه مخالفان خود را بر این انشمار مردم به یک جوب برانده و پیوستن و انود کند که به پایه جنبش سیاسی فشرده و مخالف که به یک برانه سیاسی محفل و منطقی خشکی است ، بلکه باید مشخصان خام و طامی و تند و تیز و پیوسته که به حای حرف زدن حله و ضد مخالفان خود را بر این انشمار های خشم آگین است . موقت در تحریف و اضمحالت به این شکل درآمده ، به رژیم شکسته و آبرو یافته مجال می دهد تا در برابر افکار صوری جهان نیز که مرصه را بر رنگاری های بی ستونیت و سمانه او تنگ گرد ، دست و پشور حسی بران خود دست و پا کند و قیافه حق به جانب بگرد .

ماجراجویی و چهروری و انارنسیسم ، هرگز باطن نرید ها سازگار نیست . رژیم شاه - سوازه - مواضع با تمسید مبارزه که به دست نا جوان خود با اعتماد فراموشی و کم آگاه درین جنبه خلقی به راه می اندازد و لباس آنارنسیسم را به تن مبارزان بیوشاند و سپهر هرج و مرج طوطی بر پیشانی آنها بیزند . با این نشانه ها به گمان او مردم از مبارزان فاصله می گیرند و این جدایی و بیوشت دیوانه .

برده پشوسی افتراهای و مبارزات اصولی

تظاهرات ضرابانی و افتراهای دست جمعی جمله به اشکال مختلفه به مواضع و سنگرها نقاط حساس و فریه پذیر رژیم و سنجیهایی صحنی و مبارزات اجتماعی و ابراز قشم و انرجم و انرجم و توده های و افشاگری های سیاسی در ظاهر شتوع در شرایط جامعه شاه زده و بحرانی ما ، امور طبیعی است ، که از این پس شاهد گسترش ولج گری آن خواهیم بود . این جلوه های کوشش گین مبارزاتی در صورتی که از ناکش های طوطی و صمیم و قشیا جنبش صوری خلقی بر روی کشد ، با سلسله های آن زون شده پیامده شود ، وسیله مناسبی برای به انزوا کشاندن شاه - سوازه و رسوایی رژیم آنها و باری در مان به مبارزان حبیبه واحد است . رژیم که با این افتراهای و حملات همه جانبه و پاننده و پیوسته ،

بالمجاهای صحنی به روی این حرکت های انقلابی و شرفی برده می کشد . اینها فقط صحبت از لوت کردن قشرها و هدفهای مخالفان نیست ، رژیم به هم خود سختی در شیوه ها و ناگشیک های مبارزه پیشانی و سرورگی و زدی گد و برین آنارنسیسم با مبارزه صحنی و آشوب و انتقامی و افتراهای جمله سیاسی و مردمی می کشد . آری و اگر مبارزان هوشیار نباشند خصم حلیه گری می تواند باخیمه شب بازی های ساختگی ، پذیر سو ظاهرسم و تردید و بهیسی و سو طن را بپاشد و قشرهای نا آگاه تر را در تشخیص بین حرکت های طوطی و افتراهای اجتماعی و سیاسی بسا آشوب های کاذب و دجلر سرگشده کند .

تظاهرات وجود آزادیهای اجتماعی و طبوقاتی

رژیم با انکسار حادثه آفرینی ها و هرج و مرج های در لخواه خود در وسایل ارتباطی صحنی زیر کوشش بیوغ سوازه می خورای در عین حال به دیکتاتوری و سوسالیم های طوطی و انشمار گرا بر کشور تظاهر کند . در شرایط جهانی که حتی امریکاییسم دشمن خلق ها با همه روسیای خود ، صحنی حقیقی خرد شده و برای لغاده نسی حیثیت سرمایه ریزه ، به روی آزادیخواهی و احترام به حقوق انسانی ، سینه بی زند برزم سوازه به تشنگا انعام او نظیر شاه - سوازه - ناگزیر به ترک پاره ای از شیوه های مریبان و مستقیم تر و و ارتعاب و خشونت و تظاهر و بیوشنن دیکرات مآبانه است .

سختی همه صرا گرا در سرمایه داری به سوسالیم انشمار آگاهی در فضای دنیای و تحمل همین صحنی سالمست

آزم به لحاظ ترین و جویو شترین مخالفان سوازه امریکاییسم است . در این فضای در حال انشمار و شکست زلفا زون و تعلق زدی به صحنه برکت ناپذیری ، درگنده و دیکتاتوری آن سلاح های کینه امیرالهیست و آگین های صحنی و دیگای توری و خود کاشکی نه تنها دیگر هدف نیست ، که خطر ناکه است . امریکاییسم جهانی با درک این خطری می کشد . ربه های ضد قشری و نارا جگرگه و لرتجایی خود را متعصب با شریک جده به با اسلوب ناشناخته تر و به ظاهر مطبوع تر می چهری کند . سیاست های سخر و رایجیهای بیخون تر و در نیز لفظه حسی می بهترینی افعال طلبه . سیاست تحقیق بشر به سوله امریکایی آن ه فرزند تا مشر و جن جن صحنی است . بهیسی است تفسیر تشنگه های امریکاییسم بر پینه جهانی نمی تواند در رفتار و لیسول نتیجه ها بدست یورگان و کاشنگان آن که ایران پهلوی زمینی از کیفیت و با تآب نند آشفته باشد . چنین است که مشت های آهسی و گفته به خون به ناگهان در دستگن صحنی بر شیده می شود . برهم سو گفتار طرفدار درگنده آزاد و حقوق بشر می بود و صلا حاتی اگر چه جنی و ناچیز و کم رنگ در زند انبیا و در سلوک و هنمارایی در برخورد با مخالفان و فریه ظاهری شود . حال که رژیم سوسالیم تظاهر به دستگیری آزادی کشد ، حال که چنین تبلیغاتی برای رنگ و رو بخشدن به چهره صیقل آذ مشوری که ضحاک و بنیزه را ریسفید کرده ، لازم است به بهتر که خرمهره راه جای هدف و کلان و بخارهای جای کالای نفس و واقف فرجه کشد . گری و سوازه خیرهای دست چسب و ساخته و پرداخته خویش را در روزنامه ها رنگ سفید چاپ می کند تا از پایت پیوسته آزادیهای طبوقاتی و انشمارانی هم در باور ظری " نندن بوزگه " شاهانه جنی کم کسر نباشد .

ترساندن عناصر ناراضی درون رژیم

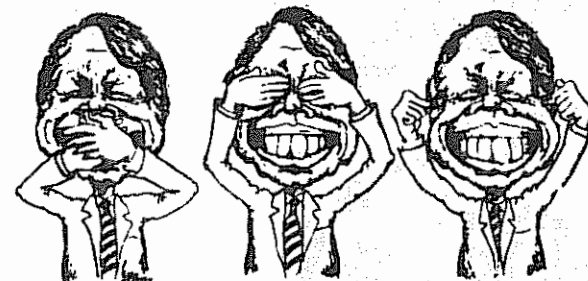
استبداد مطلق از بدگاه اقصای ، مظلومترین شرایط را برای قارت می ریزد و کم دردم سرمایه داران کلان ، اقتدار و استبداد بنشند آن ، بیزگ مالکان لرزی و بهروانی کیمبر و فرام آورده است . اینها به برکت فضای اشتقاق ایران ، استبداد کلان و زمینگشای رایب بالاتری درجه و دستزد ها و انشمار آنها را به نازل ترین سطح رسانده اند . سر صحنه های که آنها به اقصای بو صیت جامعه به زمینگشای فرجه می دارند ، محدودت و کم محتواترین و نامیبت ترین نوع آن است . این نارنجوران با برخوردی وسیع از حمایت های گری و خمره ای با بهره گرفتن کامل از جمای حکومتی برای دردم شکستن انصافی و افتراهای و سوسالیم های حقه گزیری و پانانده انگشتن حقیقی سدیگانی و صنفی را هفا و سگر تفره صحره و پانده بین وصال به عناصر نظرات و آس نا ه های اسارت بار و ضد خلق انطیاطی

تهران - پایتخت توطئه جهانی

مخالف و تضاد برخوردی با مردم ایران ندارد و تنها به دفاع حاکم از مرزهای خود و برابری تضادها خلاصی یوده است و جز زمینه جانی شدت بخشیدن و گسترش رفته این تجاوز و مغزوروش بیشتر و شنی تر ایران در این نهایت که چه معنی می دهد ؟ "زیاد باره" برای جلبک های بیشتر نظامی و مالی ایران به زیارت جلا بد خلق های ایران که مدعی سیاست مستقل ملی است آمده بود . در خصوص به اصطلاح "دفاع حقوق خردمندان" که می داند پس از شکست های و سواکت ها و طاق فرسای هند و چین امریکای دیگر در این ایل جدید تناسب نیروها در جهان قادر به ترک استغیم در این جنگ بزرگ نمایانگرانه نیست و برای بهره خود به جتنی آبرامی که به امپریالیسم جوامع سزوروش کرد . چه بیشتر که با حرمان ایرانیان و اوضاع آن مردم که باید صرف رفاه و ترفی و بهیبه آن شود و تمام ها و انتظارات ضد امپریالیستی مردم گویده شود . تجربه هزاره در دهان امپریالیسم بزه کرده است . سیاست نامیکرو ایستادگیسته با سخر درونی خود چاره ای از میان طرح کرد . ها و بزرگوری های نظامی جدید که البته در خدمت استولون جهانی امپریالیسم دشمن خلق هاست و ندارد . همه شرایط با فخر و مینتیک نامیز جدید از جانب

امپریالیسم به صورت ضروری حامی جهانی بر آمده است . پایه اختلافات و تضاد سطحی تیراند کرد تا این روزها و انقلاب و مبارزات حقوقی و جنبش های دانش آموزانه در مرکز است که پیشگام نبود . برشالوده این دریافت است که نیروهای ارتجاعی هر چه سردمداری امور سادات و با پشتیبانی فعال امپریالیسم جهانی در آمد و ابعاد جبهه متحدی از کشورهای ارتجاعی منطقه وصل و فصل نیروی بحران به هر قیتی که شده ، برآمده اند . شاه ایران در این میان نقش دلال و پانده از رازبان می کند . وعده های تلمیحی امپریالیسم از حسب ترغیب رضای هیستانت سمودی و شاه ایران که دلارهای نفتی را به در خدمت مصالح ملت های خود ، بلکه در سر سرخانی امپریالیسم و ارتجاع به کار گرفته اند و در این سر آمد بندی و بی روحی ، بلطوطه بحران خرابمانه نقلی زیاد دراز اما این مثل شیا با همه گسترش و وحدت آن در مرحله آغازین جنبش با انکست و تضادها و پیرونده است . بد اوقات سه جانبه تهران که با همه سرخانی امپریالیسم و اسرائیل انجام گرفت محظوظه گشایر این بیست و یاروی سادت در سیاست مفضل و تسلیم غلبانه انحصارات که در شرق کانای روز شنگلی نامیها راست بود .

سخر قریب الیوم شاه به هر که تاریخ آنرا را بویهای می بیند . پس و کلان روز دوشنبه ۱۹ به یاد اعلام کرد ماند و شاه ایران که فرار است میان شاه و سادات و طوطه حسین و ملک حسن (پادشاه



کاربرد "حقوق بشر" کارتر در ایران : او نه چیزی می شنود ، نه چیزی می بیند ، نه چیزی می گوید !

و کثرت و مستولیت بازارهای اصلی و تحمل نرخ های دلخواه به اس بازار روز روز جای تر و بره تر می شود و به اقلای روزم سرمد خلافت نمی ی گردند . اما این روند مساوی و توالی های را نیز به همراه آورده است . تا کم تر در صحت و ثروت در دست قشر هواری بزرگ بود و تا آنکه در در آن زمان پهلوی قرار داد و سلطه اختیار و او را بر سر بر مینماید . صاحب و سود آفرین نامیست و مرکز اندامی و مالی و صاحب سهم هر چه بیشتر از درآمد شکست نفت توسط این قشر ، در دست گرفت اقتدار و گروهی طبقات حاکمه ناراضی های را برانگیخته است . به ویژه که پاره ها و ضایعی از قشر هواری لیبرال که از دشمن های اصلی سیاست و در حین مرکز اندامی و مالی و صاحب سهم به خاطر روح بدویانه و ولر و لگام بسته فساد نیهایی و سیاست های بحران زای نیم حلقه فردی بر ضد تمام های جنبشی و گسترش دامنه ناراضی ها و اعتراضات در تمامی شرف جنبشی است . حتی که برای یکاه و در حین بهره گیری از شرایط اقتصادی و وضع به تدریج ایجاد مانده . در جنبش اوضاع و احوالی است که امواج اعتراضات و تظاهرات تند و خصلت نیروهای ملی به اشکال مختلفی برهم را در تنگنا قرار داده است . رزم برای مطالبه با بحران های صیق اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی که به نفعی بازتاب و ارتکشی رزشیها را اوخته و جلو گیری از گسترش فراینده اعتراضات و مخالفت ها که در شرایط جنبی سلف کنونی نیروهای مخالف راه سوری جبهه واحدی سوق می دهنده و وحدت و ضروری اقتدار و فرای هر اول خود نیازمند است . او درک کرده که باید حلقه های صیق خود را صفت کند برخلاف صفتی خود را بر مینماید . ناراضی های مردم در برابر سر عقل آورد و به حمایت در صبح و فعال از خود را درود . در اجرای لیسن سیاست است که جنبه فرموده ناگهان در شکم دولت بود و یوگرانه های فارتیگر سرکردگی آمو زنگر نوی بود و ساواک با سه راه انداختن تظاهرات فلا می و صلبه به پاره ای موسسات و بنسکه های صحتی مالی و به بهره بانکی با صفت ناشنود و مردم دراز جنبش خود را با و شکسته شدن نظم تحلیلی فعلی می توانست و به زیر چتر خوبی می کند . آنگه بهای روزه های اخیر و انتشار خبرهای تحریف شده از هجوم خشم و انفجار کینه مردم ، متوسله خوبی برای هراساندن کلا فیهای بر است . رزم بر شرایطی که زمین زبانی لیزه به این شریکها نیاز حیات دار و د .

چه باید کرد ؟

در برابر سیاست جنای و سیاست آتشیهای کاذب چه باید کرد ؟ همان هر که در سر مقاله شماره گذشته نبود تاکید کردیم تنها انداز و نگری ترین حربه ما در شرایط موجود افشای حجاب هر افشاکاری این دغلتگی ها و شبهه شیبانیها است . به هر وسیله و با تالی امکان باید دسیسه های تازه شاه - ساواک را در محافل و مجالس و کانتین ها هر چه در این اقل و شمارش انسانا کیم . باید نقد زبیر را به یک سو بر زمین دست ساواک و ارتشت صحنه هر توطئه با فلو و تبلیغ و هماهوی در روشن برویم . باید این آخرین سگرهای دفاع و هجوم ساواک را از او بگریزیم - گسترش هر چه بیشتر و بنوسندتر افشاکاری های سیاسی و مجالس های ساواکی و درباری را بهیتر به بهیتر از وسایل و وسایلی بکنیم . باید در بر تو کار فعال و بحرارت طلبی و تضییعی با صفت و گروهی می که گاه و گامان سریب و احساساتی را از ادم های بنی برمد و در این باز نمیده شدن آبان و باز به قسرا کر کرض شان توسط سادات حاکمونی جلوگیری کنیم . افشاکاری در این حربه ملی رزم آتیه بر خوی بند اند و تنها دفاع نیست ، نه جاده است و هجوم است . رهنمود گرانهر لنین کیم و بزرگتری آمو زنگر افلا می جهان را از او بگریزیم ؟

" نه ازینکه در هیچ زبان دیگر هیچ کاری را نمی توان جانگین تبلیغات سیاسی و سازنده می کار افشاکاری های سیاسی کرد . . . باید در میان تمام قشرهای کم پیش آگاه مردم و شوروی لوق افشاکاریهای سیاسی را برانگیخته . . ."

در راه ضروری افشاکاری ، جنگی ، جوش و خروش های آن با زهم سخن خواهیم گفت .



مراکش) و جعفر نسوی (جلا در مردم سودان) انجام شود از مرحله تازمانی در گسترش توطئه های امپریالیستی و ارتجاعی در منطقه خبر چه حد .

آمریکای ایران ، که شاید در فیل و قال های کاذب در بر این ذرات شاه - کارتر پیشه مانده و مسئله نفت بود . شاه قلا به تبعیت از اراده کاخ سفید نشینان بانکی ، با دست ناری هیستانت سمودی و امارات شده همی از افزایش قیمت نفت برای بدست نشینان . در کفران سزای اینک در کار کار حلگری کرد . این خباثت عظیم به نایب آشکار مردم ایران چنان ابعاد گسترده ای داشت که خبرنگاران امریکایی و انگلیسی با صحت و باوری از شاه پرسیدند :

... در برابر این احساسی که به غریب گردید چه انتظاری از امریکا دارید ؟
 - شاه با رفتی به چاکر حلق و فلام حلق به کورتیاسخ دارد ؟
 - هیچ ... خدمت فقط کف به انصاف بحرانی شما بود .
 از جیب مردم فقیر ایران ، به امپریالیسم فلترتگرتان کسان کردن ثروت های طوری بر پایه زبانی دشمنان واقعی خلق های طریفین و بی هیچ انتظار وطنی ، البته از بدگاه نقش طبقاتی و سیاست آمیز شاه فابل برک است . اما آنچه فابل توجه است این که شاه پس از رفتن کارتر از تهران پهنایی حمایت خود را بر او کرد . او در صحنه ای که رادیو مسکر می . بی . بی . لندن فرستند ؟
 امریکا ! بی . بی . هر هر که به تموی بخش های از آن را متعسف کردند و فلام کرد ؟
 ... ما جهت نفت را برای بدست سال شش متکره ام . . .
 این جمله کوتاه که در ضمن هر و فیض شاه نسبت به انحصاری گینه نشانه است که معامله کنده دیگری در تهران بهن شاه و کثرت انعام شده و شاه به جانی نقل کرده است در امرای سیاست امری کثرت در ذرات آتیه اینک نیز از انزالیسی بهای نفت جلوگیری کند . واقعا که سیاست مستقل ملی " شاه از این بیشتر نمی شود !]

ایران محاسبت . این نمایانگر این است که شاه با رها به صراحت تاکید کرد است که باه سواری اسلحه سیک و کله نالی و در صحنه بی دهم . اما توطئه جدیدی خواهد بود در این تاز و اتحاد به درگیری مستقیم بگستراند . منابع امپریالیسم و ارتجاع منطقه چنین حکم می کند و شاه ایران خردمند به این سیاست های ضد بشری و ضد خلقی چه نقش می نوبند داشته باشد ؟ اما شاه و لریا بان این خوبی می در امتداد انحصاری و ظلمت است . این حریق عظیم را که با دست خلق آزاد به نوا می برانده و لونی سر با حزم و اراده از آن هراس می می کند و می توان با دست و انداز هم و نوجه های بی نوری شاه ایران و اوضاع آن و نوبه بار مینوش کرد . خلق اخیر در پی کار آزادی و بخش ضد امپریالیستی خود تنها نیست و از لایم افته حمایت نیروهای انقلابی بشری جهان از این سخر افلا می . به میزان دخالت و هجوم ارتجاعی امپریالیسم به آن و ابعاد وسیع تر و فاعلتری خواهد گردید . این حاکمیتی است که حتی شاه سیک سخر ایران با همه بادی که به سر دارد ، از آن آگاه است . اما این آگاهی برای ماجراجویی جنگیده شاه و سیاست او در بازی کردن با آتش کالی نیست . اینها را می سطر و خیل آسای سلا حبهای امریکایی که با پول نفت آتیه شده مانده باید خالی شود و امپریالیسم هم به حین هم به ثروت و هم به ضد انگلی نیکران خود پیش از همیشه احتیاج دارد . این واقعیت در این ایل با اعتراضات را می معنی استخوان کننده شاه به جنبش انقلابی و درونهای تیره اندر برابر چشم های ما می کشاید .

خلاصه ها و ذرات ندره با کثرت و ملک حسین پیشه در ایران ، بر روی نظر از جنبه های گونه گین دیگر و در نقطه اصلی داشت : نفت بحران خاور میانه .
 ارتجاع عرب به سردمداری انحصارات و مستولیت امپریالیسم در خاور میانه بحران عزیز در نظر است که از آن با صحت نسیم تعارض کرد امپریالیسم جهان فوطر است . این واقع ناقصه و مسل اختلاف با اوج گیری رومیه و منشی ضد امپریالیستی و دیگر تازیه در کشورهای غیر و تمسک انقلاب لسطین که بر گشتن انگیزهای آگاهی و شور و ملز و حرکت های افشاکارانه آن برای دولت های ارتجاعی حربه همان قدر خطرناک است که برای صیبه نیستند

برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کنیم!

صفر قهرمانی

مبارزی که در زندان تاریخ می سازد

و غلبان شادی و لبخند هم هست. او از نظر روشنگر
شاید زیاد نداند، اما کافر تئوریست و فیلسوف و هنرمند
است که زندگی را در فضای تنوع و نرات ناموسی اش
به حساسیت آوردن کرده باشد. نظریه های تجریدی
او که جوی غلبه نداشت و مانند خود زندگی احساس و
واقعی است، هرگز آتش نشانی نمی کند. این بدترین دانش
عظیم تجریدی... و شاید بتوان گفت حالا دیگر تاحمدی
غریبی... تکلیف خود نیز دیگران را در برابر همه مسائل و
بهرتجی ها و حادثات زندان یعنی اموری که سالهاست
آزاد جدا شده به اصطلاحشکستی آوری میروشن می کند.
با آن لجه آدوی شورس، نگاه صافی و قامت افراشته،
سینه فراخ و پاهای که ستن های سنگی تخت نشسته راه پست
می آورد، صورت اندک گوشت آلود و پهن و شیار خورده ای که صفا
و همان روستای آذربایجان در آن می درخشند، گلابی که طعم
ووی "رضی" در آن صبح می زند... این خیل خلاصه شده در
بمخوله ها و تنه های گاهها زندانها و تشنگی گاهها در رفتن راه
دو تری می کند که سرانجام باید بر همه فتح و افراشته گردیده
چند روز در زندان نگاهت در مرکزات آهانه بین خودی رهم و تنی
سازان به وسعت خطری که در وجود این زندانی سالهاست
طوفانی را برانگیخته می کند. به قدری رسوا کرده حضور ما را
زوال ناپذیری می برده است. نمانده گان و تنه صفر خان گفته
- چرا چیزی نمی نویسی و خود ترا خلاص می کنی؟
قهرمان توده ای شانه بالا انداخته که:
- من حرفی برای نوشتن ندارم.
- تقاضای طلبی کن.
صفر خان به نفسی لبخند زد:
- طلب برای چه؟
- می خواهی ادا می قهرمان هزارم را بگیری؟
- این شاید که از من قهرمان می سازد. من به کلمات
گشام و در بیک روستای این مملکت بودم. شامام برابر سر
زانتیا انداختند.
- تپید بشکر کردند.
- ما تشنگی گاه هم ندارم.
- می دانم.
- می توانم هر گاه کله شقی را بر سرهال بیاورم.
- اشعاع کنید... می فایده است...
آبیا می دانستند که هر تلاشی برای به زانو در آوردن این
مردی که طیش در سینه جیبش تپید می فایده است.
صفر خان ۳ سال حبس کرده است. آبی گفته:
- با زهم صبر می کنم... آنگاه می مانم تا فرزندان واقعی
ایران درهای زندان من و همه زندانیان و کثیری باز کنند...



"زندانی که به نوبه سمرات باز دارند... به او خواجه
می گوید. او در این مورد آنگاه میگوید که می تواند
به همه زندانیان جهان خبری بدهد. هر جا صفر
خسان هست می شک زندانی و عشق زندگی و صلوات
گفته است:

سال ۱۳۲۷ که سال زندان سیاسی جهان افلاک شده بود،
به پایان رسیده اما همدی ترین زندانی سیاسی دنیا با اتهام
راهی هنوز در زندان شاه است. صفر قهرمانی به شام مطهر
مقاومت و بطول حقیق های ایران ۲۱ سال است که هم در زندان
و شرایط طاقت فرمای اسارت زندان را در برابر رژیم ایرانی
خود به سحر گرفته است. این فرزند خورشید آذربایجان به راهها
گفته است:
"ماندن من در اینجا نوعی مبارزه است"
و به راستی این باید آری حماسی و نیروی یک تنه و اصلا
شد و رانگیز، انبام بخش و انگیز و نیروست. صفر قهرمانی
مظهر زنده و رسوایی رهم است که بقای وجودش در زندان ها
تشنگی گاهها و حبس و روز افزون خود می جوید. او فرساده
انسان به بند افتاده روح نجیب و آشتی ناپذیری طغی است که به
حرم حبس به آزادی، زور یافته جلادان و سپاهنواران انشاده
باز به پاره شده هزاران زخم برداشته به غل و زنجیر کشیده
شده و برد هاتر قل آویخته، اما تسلیم نشده است. او نفس
شکست ما و نشات داده نوری است که جز با وجودی نمی توانست
پایان دیگری داشته باشد. دکتر هوشنگ تهرانی شهید نام آور
خلق ما و قهرمان توده ای در خاطرات خود از زندان - که سه
زودی منتشر خواهد شد - صفر قهرمانی را بر می که از بزرگس
فقط با خود تراش مشاهده است. نامده است. دکتر تهرانی
گفته است:

- دانشمندی خواهیم. دانشگاه تهران اساسا
دانشجوی معمولا دانشمندی علوم اجتماعی نخواهد
گردد. به دانشمندی می گویند:
- همه شرایط سربازی می فرستند و باز برگردند
انتخاب می کنند.
رهم ضد فرهنگ از هفته پیش با سامت از تشکیل کلاسها
ملا دانشگاه علوم انسانی را داخل کرده است.

اخراج دانشجویان مدرسه عالی پرستاری

به دنبال اعتراضات و دانشجوی مدرسه عالی پرستاری
وابسته به دانشگاه پزشکی رازی به رفتار غیر اصولی و ضد
دانشجوی مدرسه این مدرسه، تمام تحصیلی ۷۰ دانشجوی
محل شد. و دختر دانشجویان به اتهامات واهی اخراج شدند.
فترت دانشجویان کلا جنبه صحنی داشت. آنها به
شرایط محیط تحصیلی و طوفان دگرگونی و رشد دانشگاه
(که کربا از اقوام بیرون تازی خوش مشبو سوات است) آذربای
فرار در راهی روسی که با دانشجویان گفته بود، مفسرانی
داشتند اما با اختراعات و بیگانه بود و پروتند و به اصلاح حیات
علی این مدرسه عالی زیر فشار رفسر دانشگاه تهران و روسی
هس مدرسه عالی اقدام به تعطیل تمام اخراج غیر عاقلی ۱۰
دانشجوی دختر کردند. دانشجویان که در روز پنجشنبه
برای گفت و گو با مقامات مدرسه عالی رفته بودند، با پاسخ منفی از
سوی مدیران رهمی شده و مدتی بعد چندین مستخدم گسردن
کلفت و زلفهای به دستور مقامات به دانشجویان حمله کردند
توهین و تاسارنگه آنها را از محیط مدرسه عالی برین راندند.

راندند و وضعیت کردی بالا حره کار نشان را بر داد. هنوز گروهی
از دانشجویان چون شده اند کارت خود را پس بگیرند.
گزارش های رسیده از دانشگاه صنعتی حاکی است که کارت
معه ای از دانشجویان دانشگاه صنعتی که در شب سخنرانی
یکی از اعضای کاتین نوسنگان که به انصاف نشسته و آرام
حاضران انجامید. هیئت تهرانی رفته و سخن گفته اند و از آن ها
گرفته شده و هنوز پس داده نشده است.
خبرهای دیگر حاکی از این است که میران هنوز به استادان
دانشگاه صنعتی اجازه تشکیل "شورای دانشگاه" را برای رسیدگی
به مسائل و حوادث اخیر که در حوزه اختیار و از وظایف آنهاست
نداده است.

بیسرون راندن دانشجویان از دانشگاه های تهران و ملی

صبر و ریشیه دراز هم دیده جاری ابرام کرد دانشگاه طی
به دانشجویان این دانشگاه حمله کردند تا آنها را از دانشگاه
برون کنند. علویت دانشجویان سبب زد و خورد شد و سرانجام
مدان رهم با خفوت و رهم هم همه دانشجویان را از محیط
دانشگاه برین کردند.
صبح سه شنبه سوز هم دیده گزارشهای شایع لای افسر
گردد به دانشگاه تهران ریختند و دانشجویان را از کلاس ها برین
کنندند و به رهم مقاومت آنها از محیط دانشگاه برین رسان
کردند.
مدای ارد دانشجویان که علت برش رهم را در روزهای
گزارش دانشگاه که هیچ گونه حرکت انضامی و اعتراضی مشهود
نیست و همچنان بوده بودند، جواب شنیدند که:

در دانشگاه چه میگذرد؟

سیاست ضد دانشجویی رهم در دانشگاه صنعتی تهران

رهم و همچنان با دستمال و میره های خود به سیاست
عد دانشگاه و ادا می دهد. درخته گذشته طر رهم بران
رهم دانشگاه صنعتی برای اعمال فشار هر چه بیشتر
دانشجویان ساز این دانشگاه شیوه حد بندی راه اجسورا
که اشتاد اوست بلندی از اسامی دانشجویان مبارز اینک
دانشگاه ادا آنها هم هنگام بود دانشجویان با کنترل آنها
کارت دانشجویی کسانی را که نامشان در لیست بود گرفته، هنگامی
که دانشجویان برای باز پس گرفتن کارت خود اقدام کردند، آن
ها نیز بر سوز سوزانی و جناب طر رهم میران فرستادند.
میران ننه دانشگاه تهران را بد بوخت و بعد از مدتی تعزیت و
تبدیل به آن ها راه مرکز کرد فرستاد و گفت کارتان را از رهم
گارد بگیرد. رهم گارد هم مدتی دانشجویان را تعزیت و
تبدیل کرد و آنها را برای گرفتن کارت دیوار به میران پاس
داد. این راه میران از دانشجویان خواست برای گرفتن کارت
پدرشان راه دانشگاه بیاورند. بعد از حضور اولیهای
دانشجویان در دانشگاه بازم میران سفلی دانشجویان

ارانی

در زیر کاجهای بلند پییده رنگ
بر سکوئی بسایه دیوار آجری
مردی نشسته بود
چشمان خیره را بسوی طاق آسمان
(کتابچه مغاز زندان نگاشته بود بال)
خاختر دهنه
بزرگ هایشی مردی زندان گسته بود .

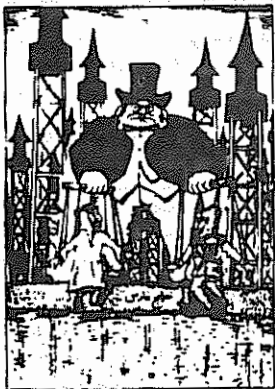
در فکر آنکه چون برسد ریز درگاه
بهر دق خورشیدی حق قدم کند
در صوم خورشید
آنکه که با دیووم دم از انبام زد
با حجت برهن خود ششم کند .

در جنگ دشمنان غیب پنجه سلطانی
اندیشناش نبود که چایش فنا شود
گویی شتاب داشت
دل را به یک برنده خونین بدل کند
در ضحک زبان
بهر نجابت خود می زحمت فنا شود .

وقت غروب چون زیر خورشید شامگاه
دیوار را طلالی و گلرنگ کرده بود
برخاست
وان سایه های تیره ی شبگیر
سجای هر صلابت او را
با نقشهای خورشید زنگ کرده بود .

گویی تاملی است به چشمانم
افراخته تر است از این کاجهای پیر
با دست خورشیدسنگ طاق آسمان
در زرد پای او
هر سو دهنه چون حشرانی زخم هم
انبوه دشمنان !

هرگه که مرد جلویی تاریخ صبرا
در آنگنهی دل تشنه به میگد
خود را که خورد و خواب و صبح است آن زمان
کردی سرگرد و هادرو و جانیه میگد
روزنه به صبح زمان محرم بهشتار
آیند و بگذرند
کی با قیامی که ارانی است زبان شلر
اینان برابزند !



در ارتش ایران چه میگردد

تاریخ جنبش انقلابی کنگهای گرانهای برسانند .
ارتش ایران با رشتنهائی کنگهای با خلق پیوند دارد . افراد
آن تقریباً همگی از فرزندان کارگران و دهقانان و دیگر اقلیت
زحمتکش جمهوریستا میباشند و کنگیت سنگین گداری امپری آن از
اشارت متوسط و بی چیز جامعه برخاسته اند . درست است که
اشیاء و اشیا و کنگهای و سطح پایین رشد آگاهی معنای از این افراد
رافاسدی می کند و آنگاه راه صورت کارگران بی فکر هیئت حاکمه
در محراب اولی این عوامل هرگز نتوانند رشتنهائی پیوند ارتش
را با خلق پاره کنند . بهر حال اینک در مقابل بسیار مهم دیگر بطور
واقعی جهت نگهد این امپری پیوند اثر می زند . یکی فساد
بی بند و بار دستگاه حاکمه و بهر حال غایب شاه و دیگری حاکمیت
نارتن انگیز اربابان امپریالی که به نام "مستشار" و "گارتنامبر" و
ارتش ایران فرمانروائی دارند . افسران باقد امن و حسین پرست
می پیوندند که عهد فتنین ملا له برای ارتش درجه و رسیدن به
مقامات ارتش سه چیز است: اول این که برده دیوار فرمان بردار و
هر دست خرد چابک باوری را که کوشش اجبار کن در دم اینک از چپ
و راست دوری کن و جسم بالانها را بدون گروگانست برسان
و دوم اینک بهر گروهبان تالابی امپریالی گزینتر کن و نطفه بگو
با اطمینان داریم که گزینتر چنین پرستی و خدمت به خلق که
با دست کفیل محمدتقی خانبابا "سایه ها" روزی صفا روشن شده
هرگز خاموش نخواهد شد . هرآنکه از هم که رژیم سباه استبداد
سعد رضاشاه بخواند روی آنگاه را خاکستر و گل و لای بپوشاند
این گزینتر بالاخره همراهمای جبهه جنبش سبب برسانند و آنگاه
خواهانه مردم ایران شعله خواهد کشید و با آن جای ارتش
کوشی با پایهای ارتش ملی و دگرگانی ایران گذاشته خواهد
شد .

سبل نطفه خودی جامعه ایران که در نهایت از چهارچوب
طریقت زحمتکش رسیدن آمده و وسیعترین گروهای متوسط جامعه را
بزرگ کرده است بالاخره به آخرین سنگر رژیم استبدادی شاه
یعنی گداری فرماندهی ارتش نیز گره یافته است .
اخبار رسیده حساسی است که در چند هفته پیش
بگوشی پیوند داشته داری در گداری فرماندهی ارتش رخ داده و
شهرستانها بازداشت و عدون سرپیضا به زندان تهران در
تهران انتقال داده شد . این افراد ششم هستند کنگهای
اندیشه لزوم تغییراتی را در وضع کوشی گداری در میان خود مطرح
ساخته بودند . از اخبار رسیده اینطور برمی آید که در پیوند با
این جریان در نظر از افسران بالادست تا کمین اقدام شده اند .
واقعی این ریزه در هر چه باشد اهمیت فراوان آن از این
جست است که طریقت حده کوششهای رژیم در ایجاد یک ارتش
گداری بر فرمان شاه و کارگران امپریالیسم آمریکا طریقت اینک همه
افسران برای رسیدن به مقامات بالائی عدبار دستچوبین
می شوند و از دهنها فیرال و عاقبت "مفتی" میگردد و در هر ارس
نظامی امپریالی با روح عد دگرگانی و عد ملی "آید به میبند"
طریقت اینک رژیم می کشد با دادن اشیا و اشیاء فراوان ارتش را از
خلق جدا سازد و در این راه بهر دست دوری و فارتگری می بند
فیرال افسران بالائی ارتش را از گداری گشته است . در این سایه ها
اصلی جنبه شتاب نیز ترک پیدا شده است .
تاریخ ارتشها در بسیاری از کشورهای جهان از آنجمله در
کشورمانند است که طریقت حده این تلافیهای ارتش
هوار در ارتش و حتی در گداری بالائی آن عناصر حسین پرست
پیدا می شوند و همین عناصرند که می توانند در کمالات حساس

فاجعه زلزله کرمان

و تانک و هواپیما و گداریهای سرگرم هر جنبش خلقی
داخل کشورها هر طرف دیگری در منطقه آماره باشد و به عنوان
نیز گزینتر فرمان امپریالیسم در هر منطقه آن کدو اشاره کند و در
کارزار شود در حالی که با پول هرگز از راه پنهانی که شاه می خورد
و توان حدیسی دهگه و راهبر و توانی کرد .
شاه در قسمت دیگری از این صاصحه گفت: امیدوارم روزی
که روستاهای ایران نوسازی شود . این کلام شاهانه هم نیاز به
تفسیر ندارد . امروز تر هم می داند که چنین روزی سرانجام
رسید اما در آن روز مردم حاکم بر سرنوشته خویش خواهند بود
نه شتی زحمت ، فاجعه ، فقر نامه دار بی وطن . در چشمان
روزی است که اگر زلزله باشدتی بهشت از آنچه کرمان را زلزله
ایران را بلرزاند احتمال میزان خسارت بسیار بسیارندک خواهد
بود و دیگر عد ها که به قدر خشت و گداری سر سر مستکشان روستا
ها و روستا نخواهند شد چرا که دیگر جنبش گداری وجود نخواهد
داشت . شدت آرزوی آن که کرمان را زلزله افکند ۶/۲ اینست
بود در حالی که چند هفته قبل از آن زلزله ای باشدتی ۶/۲
ایشتر فراقتان شوروی را بلرزاند و کمترین خسارتی به بلرزاند
حقیقت این است که حتماً روزی که شاه پنده می دهد سرانجام
فرا خواهد رسید و خلق ها میبندند و بهر مردم ایران پس از آن که
سلطه دوزخی حجاز و مستکشان و زادهای استبدادی را بر سر
انده اند ، با سویی شلر خورشید به حال سازندگی دست
خواهند زد که نسبتاً در هر چه استبدادی بلکه در برابر سرهای
گور طبیعت سازان خواهد گشت پیوند که قهر طبیعت
(آن حتماً گداری فراقتان امپریالیسم و سبب) دگرگانی
توانست مردم سببیده امروز و بهر روز فردای ایران را زلزله
های خشم خود بگرد .

زلزله یک بار دیگر در قسمتی از ایران گداری معرخت
گداری رابر سرهزاران روستای زحمتکش ایران کرد و تلفات سنگینی به
باز آورد . طبق آماریک تهیه گردان ما رژیم فعلی کرده اند
۶۱۰ نفر در جریان زلزله کرمان جان باختند و صد ها بی
اصلاح خانه و اراضی گداری گداری گداری شده است آنگاه شله
ایمان فاجعه کشنده تر از آنی است که فارت شده است . امپریالیسم
معتاد رژیم است: بی اطلاع نگهد داشتن مردم از حقایق و گداری
جلوه دادن فاجعه ها .
به دنبال وقوع زلزله شاه ایران برپا شده و مسرعاً مردم
باصلاح از منطقه زلزله زده بازید کردند و گداری و نوتن
رادیو و تلویزیون روزی نامه های دگرگانی ارامی هم برای سبب
سازی بیرون ها صادر کردند !!
شاه با بالابرنهایی که گداری همیشه برای ترساندن مردم آنرا
به تن می کند ، پس از اصلاح بازید از بیرون ها و گداری
بازیدم کرده و بی حاشان در مقابل گداری خبرنگاران سبب
تلویزیون با بی شری گفت: ما روستای بیگانه را دیدیم که تمام
خانه های بیرون شده بود و تنها ساختمان سالم دهگه به
درسه ای میبندد است که امپریالیسم با مصالح ساختمانی جدید مثل
آجر ساخته شده بود !!
هیچ نوسری بر این ترفیق شاهانه لازم نیست . بهر مردم
سببیده ای روستا ، شتی خشت و گداری فروخته بود و در تمام
دهگه فقط به حاشان آجر و سبب داشت . ای روستا و
شاه ها و هزارها روستای دیگر مانند آن در کشور قرار دارند
که قوت سرشار آن به تاریخ و برده و شاه نفت آن راه می
خورد برای جلب حمایت دریده ترین سرمایه داران . رشتن گداری
نابنده آن شتی آنگاه گداری می کند و بدل آن را سبب خورشید

درسهای گرانهای اعتصاب گارگران بنز خاور

جنبش‌ها و مسائل کارگری

در جریان اعتصاب ... کارگر کارخانه بنز خاور که سابقه در شانزده ساله سابقه دارد و کارگران ریزش و دماخوری تازه نیمه روی داده برای کارگران ایران و تاسیسات زینتون استعمار و تکنولوژی درس‌های گرانهای در بر دارد.

در حال حاضری کارگران که بالا رفتن سبزی کارخانه ریزش و دماخوری حقیقی سکن حای پیوسته داشت کارگران با تاخیر بر سطح نازل دستنزد های خود و کثرتی مراسم آوری روزمرین سکن با ما و سبک گفتار هم در آنجا نیز آنها را می بینیم. در احوال جسمی به عنوان حق سکن را از کار میسوا حواسته بودند. مسئولان کارخانه زیر نظر بودند. آنها هیچ کردند که جنبش حق در هیچ کجا به کارگران پرداخت نمی شود. اما کارگران نسبت به سکن کارگران ایران ناسیونالیست پس روی آنها نیاوردند. این ماجرا به مبارزه اقتصادی کارگران چهره دیگری داد و مسئولان بنز خاور بی بودند که بین کارگران اقتصادی سا کارگران ایران ناسیونالیست رابطه و تماس پنهانی وجود دارد. این موضوع پای مسئولان کارخانه های ایران ناسیونالیست به صحنه مبارزه اقتصادی کارخانه بنز خاور بازگردد. محمود عباسی مدیر عامل یکی از سهامداران عده ایران ناسیونالیست صاحب کارخانه بنز خاور توجه کرد که به هیچ وجه زیر بار تقاضاهای کارگر گران اقتصادی نیاید. او گفت:

اگر امروز در برابر آنها بقیه بنشینیم و چیزی بهشتیمان بدهیم فردا حیز دیگری خواهند خواست. نادیده نمانده باید آنها را سرچاپان نشانیم.

و برای وا داشتن مسئولان بنز خاور به پذیرش خواسته خود و پشتیبانی کرد که نمای ضروری زبان کارخانه را در دست اقتصادی تقاضا خواهد کرد. حقیقه گیری بیشتر در کارهای بزرگ که بسا تاخیر کامل سازه همراه بود. به جهت سخت تر شدن توجه مسئولان بنز خاور در برابر کارگران معترض شد و به تاخیر و اندام های شاه به افندارین باز ماندن کارگران از آنان و انجام دستنزد جمعی کارگران انعامه. سپس سرمایه داران جبهه اول بر آن بودند که با تخریب اقتصادی به زینتشان تحریک و انعامه و سازماندهی ایران نشانی را در عهد کارخانه بنز خاور پس از آن نوشته رفتن به اسلام داشته که آماده است دوباره از کارگران نام نویسی کند. اما در استخدام مجدد آنان ساخته بر بزایای قانونی آنان ضامن بر آید. اما در دستنزد فقر داشته اند که کارگران که حقیقتاً بنز خاور و کارگران طبقاتی و استعمار و استعماری روی از روی کار است. هیچ ندیده است از کارگران اغراض پس از چند روز هم در دستنزد کمتری خواهد بود. در برابر مسئولان دو حمله کارخانه اداره عقب نشینی می رود. اما در این

احوال راضی دیگری روی داده که این تکتک برخی اما آلوده و نمره حیرت انگیز حمله و سبزی و راهبانی هورونی نیمه بخش در آید. کارگران ایران ناسیونالیست اعلام کردند که اگر برادران طبقاتی آنها در کارخانه بنز خاور به مبارزه ادامه دهند و بی توانند یکی گله مادی و معنوی آنها حساب کنند. کارگران جهان روی جهت تهران نیز به تدریج بر آید. با این حال با داشتن فعالیتات مشابه و تقاضاهای اعتراضی به باقی رفتن و همچنین کارگر خود در بنز خاور بودند. اتحاد ایران با همه کارفرمایان و سرمایه داران تحت حمایت سرمایه و اقتصادی شاه به کارگران آموخت که تنها امید رستگاری و موفقیت و قدرت آنها در اتحاد آنهاست. در حالی که سرمایه داران برای منافع مشترک طبقاتی و ملت بیشتر از دستنزد زینتون کارگران در پی حقیقه شدن می گویند. هرگاه کسی حقیقت پرورانه ای ایران این ارتش توانا را هتکار راه کرده اند اما اینها بر آنکه در هر یک از کارگران بی سازند که در برابر نیروی متحد دشمن تاب مقاومت نداشته اند. اعتصاب وسیع کارگران زینند. بنز خاور به خاطر فقدان رشته های درونی پیوسته و اتحاد آنها و پیشانی های لازم برای لحظات و ریزشهای بحرانی جزایه پس از اعتصاب، ندانستن سبک حد اقل پشتوانه مالی و کمبود کار تخصصی لازم بین کارگران اقتصادی چه قبل از شروع اعتصاب و چه پس از آن و عدم پشتیبانی فعال کارگران دیگر کارخانه ها و جامعه ها و سایر اقشار و نهادها چینی به تکتک کشید. این کافی نبود که کارگران ایران ناسیونالیست تنها به امداد و پول گله مادی و معنوی بسنده کنند. بهترین برای آنها نیز برابر حقیقه شدن کارفرمایان و دستنزد همه اعتصاب بکار حقیقه وسیع به عنوان پشتیبانی و هدایت و یاری در آن طیف پیوسته در کارخانه بنز خاور و انضامی توجه کارفرمایان و توضیح خواسته های حق کارگران اقتصادی در میان کارخانه ها دیگر مناطق و مناطق اقتصادی بود. اما بی بودن صورت اینها و همکاری فعال ملی خود به پیروی بود که نباید آن را کوچک انگاشت. کارگران بنز خاور در پی مبارزه معنی موقه و موفقیت دلمواد نرسیده اند. اما نقاط ضعف و نیروی واقعی خود را در این مبارزه کشف کرده اند. آنها را برابر تقاضای افزایش دستنزد خود با جفا و حقیقت ریزش و در نتیجه ضرورت داشتن سازمانی از خود و هم زینتون خود در برابر سازمان بکار حقیقه سرمایه داران و حکومت آنها می روند. یکی از کارگران پس از پایان اعتصاب گفته بود:

"اگر یک صد روز محلی داشتیم که تا حدی در ریزشهای دیگری از نظر مالی سازمان بی کرد تا خود را در کسرت پشت کارفرمایان و جناح به مبارزه ادامه می دادیم".
در این اشعار نیز سریش و تحریر و پنهانی نهفته است.

این جفا است که به تحریر در برانته شده و کارگران ایران با نیروی آن تا بل توجه کنند. و مورد به عنوان پنهانی که با وجود خود کارگران به وجود آید. نه تنها دلگرمی و ناسیونالیست که حقیقتاً با ما راهی تا زمانه برای کارگران خواهد بود معنوی و کارگران است. شاکت نامه عفو و امان نام در راه درمان آید.

برونداری ایران در پیمان در کوره حیات حقیقتاً به بسنده می شود و به تدریج به مقنن سیاسی و قضایی خود و ضرورت حاد بهبود درونی سازمانی در قضیه می شود. پس از این در هر یک کیسگی نیست. جنبش آموختند که کلام از این درس خود به سخت عدم موفقیت نسبی کارگران بنز خاور و به پیروی آنها با اهل سازمان.

اخراج ۲۰ کارگر کارخانه ایرون اک

طی دریا احوال پیش از ۲۰ نفر از کارگران کارخانه ایرون اک (واقع در تیزر) به بهانه های واهی اخراج شده اند. کارخانه ایرون اک از پرداخت مزایای قانونی و حق کارگران اغراضی به آنها مختلف سرمایه داران و کثرتی را با مبلغ نامنظم و بیساری را می هیچ حقوقی از کار برانده است. در برابر اعتراض کارکنان که علت این تصمیم بکمانه و خصومت آزار ریزنده مانده و اولیای کارخانه گفته اند: " دولت بنا به تصمیم خود می تواند که از تولد است کارخانه ایرون اک را براندازی کند. از آنجا که دولت به تصمیم خود عمل نکرده و ما هم در مقابل شما هیچ تعهدی نداریم کارخانه ایرون اک با ... میلیون تومان سرمایه دارانه توسط سرمایه داران ایرانی و انگلیسی و آلمانی غیر در تیزر و ایسر شده و سازنده و طبقات پیش ساخته ساختمانی است. کارگران اغراضی خواستار پرداخت مزایای معوقه هستند. کارگران فعلی کارخانه نیز که از سر نوشت و رفاهی خود دچار شکتی شده اند و تا حدی بیشتری برای ادامه کار معین می خواهند. در برابر اقدام خود سرانه کارفرمایان و ریزش در سرمایه و سرمایه داران کثرتین و حاکمیتی به نفع کارگران مورد ظلم فرا گرفته نشان داده و با سبک خود امانت بک حاشیه و ضد کارگری مسئولان کارخانه ایرون اک می خواهند. با اخراج کارگران قدیمی و کارگران جدیدی را با حقوقی و مزایای کمتر استخدام کنند و تاخیر کرده است.

دو نوع تظاهرات هنگام ورود کارت به تهران

بود ناشی از آن که محافل امریکایی که عشق و شدت دیکتاتوری شاه را برای مانع دراز مدت امری با جسم و ارتجاع خطرناکی دانستند درباره وضعیت اقتصادی بودن و دستوری بودن این تظاهرات مایل لایل انگار با بی روی داریم که بگو از خبرنگاران نموده بطور حقیقی آن را تکتک کرده است.
سه روز پیش از ورود کارت به تهران و حضور حقیقی و معاین سازمان داد و ستد بین ایران و خود ثابت گشته است که کشور (سازمان) در یک حلقه حضور گشته بود.
"رئیس جمهوری امریکا در تهران با همان منظره ای ریزش می شود که شاهانه در دانشکس با آن صورت شده است."
آیا همین اشعار نظر گرانه و متضاد برای نشان دادن این تظاهراتی که سرازله به راه انداخته بود. و گاهی نیست ؟

که از سر نوشت آنها اطلاعی در دست نیست.
اشعار دیگر تظاهرات تعلق به سازمان و حمله واژه ایرون که هدف تا در برابر سفارت امریکا و سازمان گشت و صنعت ایران و امریکا روی آورده و حمله های ضلعه و روحی آفرید. ایرون تظاهرات دستوری که از طرف متضاد به ایندال کامل کشیده بود و دو شمار بیشتر داشت. "برگ بر امریکای ها" "کارت به ما حقیقتاً برگردد". "برای بی بی سی". (س) (ن) در گفتار فارسی خود به جنبه اقتصادی این تظاهرات اشارت طرز آموخته است.
بی بی سی که خود به بلندگو تبلیغ امری با نیست است. گفته شد: "شاید نظرها را از این صحنه ها آن بود که تظاهرات شده بود ایرانیان در واشنگتن هنگام ورود شاه جواب داد شد و سازمان شاه از خود دراز مقامات امریکایی در پیشگویی و سخن گوید این تظاهرات نشان داده شد."
اما شک در این صحنه تیزر و سوزا و هدف های دیگری هم

در روز ورود کارت به ایران و دو نوع تظاهرات گوناگون حمایت در نقاط مختلف تهران. روی داد. در نوجوانان تظاهرات مردم به دور زینتشان و دانشمندان در خیابانها و تظاهرات حافظ و مقابل دانشگاه به صورت احتیاطی تکیه شکر شکل دادند و تظاهراتی "برگ بر امریکای حقیقتاً شمشیر" است. اما در سد ام می کند. "زندانیان سیاسی آزاد کنید". از رئیس جمهوری مدعی دفاع از حقوق بشر (البته به سبک امریکایی آن) استقبال کردند. در این شعارهای اشکار بی محتوای جلوه مناسبات کارگری که سبب نشینان با یکی در باره دفاع از حقوق بشر و آزادی های شهروندان جهان در کنار شرایط اقتصادی و ماهیت حکومت و دشمنان شاه به وضوح گشاده و بویا شده بود. این تظاهرات گوناگون به حرم فریاد کردن حقیقت آزادی و توسط پلیس خود پرورش حشمت و در دشمنان فرا گرفته. در همان تبه شدت خسرو و صحنه گردیدند و بی تا. ع نگر باز داشتند

من می دانم که در روز حیدرآباد من بودم که در راه که در حال ف...
همه جا در حیدرآباد از در و درهای بسته که به راه انداخته اند و وطن
من یک سرباز اشغال شده است که در پشت آن کترین حق
و حقوقی ندارد. من این واقعات را در جریان کار زندگی
شدت با مردم و هرگز نمی گویم. هرگز نمی گویم که در حیدرآباد
زبان های مختلفی که فقط بعضی از کلمات آلمانی آن را چون
بارها تکرار می نمودم. من فقط می گویم و هرگز از غم
رکبامی می خوانند بزرگه. به یاد چشم های منتظر و شکم های
گرسنه زن و فرزند آنم لب از لب بازی می کنم.

ایرانی ام و ملیت ام عرب است و حالا یک سال و نیم است
در کنار هزاران ایرانی دیگر که ملیت ایشان عرب است در طرح
نیروگاه برق اسی بیشتر کاری کنم. شاید بهترین وقت من
آفتاب سوزان و رنگارنگ در حیدرآباد است. کشاورزی بودم
اما حالا کارگری و در واقع اکثر کسانی که در این نیروگاه کار
می کنند زمانی کشاورز بوده اند.

در به این حده چشم می دویم و قطره های آب را در نظر جسم
می کشیم. اغلب کارگران به فضا پلاستیکی دارند که آن را صبح هر
می کشند اما سلی زرد نام می شود و آن هر گرم می شود که نمی توان
خورد.

وقتی برای کار استفاده شد و البته به من هیچ تلافی و چشم
به حله مرموزی ندادند. بعد از آن وقتیکه های آب آشامید و
بعد ها واقفیت این جمله را با تمام وجودم درک کردم.
برای نجات زن و فرزند نام از گرسنگی و مرگ کشاورزی را نگاه کردم
و با زنی ۳۰ ساله در نیروگاه برق اسی که توسط آلمانی ها برپا
می شود شروع به کار کردم. البته فکر می کردم که به دلیل تازه کاری
باید کمی می گویم اما به سرعت فهمیدم که حد اکثر مزد روزانه در این نیروگاه
برای کارگران ایرانی که تمام آن ها بین ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر کم و
زیاد می شود ۵۰۰ تومان است و اکثر کارگران حقوقشان بین ۲۰۰
تا ۴۰۰ تومان است.
آن طور که فهمیده ام از ۲۵ ملیت در این نیروگاه کارگر

نامه یک کارگر از نیروگاه برق اتمی بوشهر

ماتو در اینها می گویم و خواهند دید که به حلقه های اضافی کنند در حالی
که می دانند در این کشور به نام ایران و بوشهر و آن شکر در فرزند ما را هیچ
سرمی کشند و هرگز نمی توانند از دست خرد یک روز بقی از مهندسان آنگاه

نیروگاه را همچو نواند تا من کشند.
هرگز نمی دانند که در این نیروگاه با یکدیگر در محوطه نیروگاه سخت
زیر نظر قرار می گیرند. بارها به این شرایط اعتراض کرده ام ولی همواره
بهانه آورده اند که شما در این محیط محیط نظای و برای این سخن سری و
اتو تازی کنید. آن در دربار این سینه تا به دره اند که راستی بیشتر
کارگران می ترسند در آینده با وارد شدن او انجام به محیط کارگزاران
سپاری می خواهید. به تیراج سخت از کتف من به زندگی طرح بود
اما این کتف تنها در اختیار چند ده کارگر کشیک که کار کشیکند که در دست
حلقه کارفرما قرار دارند گذاشته شده و چندین هزار کارگر از آن محروم شده اند.

کلاه اسنو، کفتر، لباس گرم بخر که ماکتو کیفیت! هر صبح
دیگر خود نیاز است، اما فقط تعداد کمی کلاه ایمنی بین جی کارگران
تعمیر شده است. به باسریا میروند و آمپلیفایر های محلی گسا
می کشند. تعداد کارگران که حین برابری گرفتار این حقوق قانونی
حود به مسئولان ایرانی مراجعه کرده اند به عنوان احلا لیبی نفسی
اعتراف شده اند. با امراض این کارگران بیشتر می شود و می شود در هر
روز بیشتر از روز قبل کارگران احساس می کنند به سینه های خود را تشنگان
دندان.

خلاصه کنم. زندگی ما بویس و هزاران کارگر از استان تفاوت چندانی
با دیگران نمی تواند دارد. ما از همه حقوق اساسی خود محرومیم. گویا ما
شقی معلومند. این که باید بوسیستم و عدالت در ارتقا و ارتقا
را تحمل کنید بپذیریم... و این امر از منوی است که تا ناچار ما کارگران
شده نشویم به راه دست او در حرفه ما هرگز نپذیریم. ما از این
بهرتر نخواهیم داشت.

تنگسیر و مهندسان میروند و در یکدیگر همه آنها وضع کارگران ایرانی
که مشکل ترین کارها را می بیند دارند و اما اسف انگیز تر است.
در میان کارگران ایرانی هستند کارگرانی که با سابقه کار ساختنی

۱۰ تا ۱۵ ساله حدود ۳۴ تومان روزی می گیرند و خود کوچکترین
انترناسی را در فرزند زنی محظی اخراج می کنند و به حیاطشان از
هزاران کتاف رز بکار دیگر که پشت درهای بسته بسته نیروگاه و در
شهر و ساحل انتظار گزاف می کشند استفاده می شود.

نیروگاه در ۱۲ کیلو متره، بوشهر در کشور پارس ساخته می شود و
ناتمام است و هنوز به مرحله بهره برداری نرسیده است. به همین
دلیل ما در محوطه رو با این آهن و فولاد و دستگاه های جوشگری
کار می کنیم. در اکثر ساعات روز بر اثر تابش خورشید آهن و فولاد می
که با آن کاری می کنیم آهن در داغ و موج زنده است که فقط با کتف های
خشیم که محظی شو را و پیراهن خودمان است می توانیم به آن ها
دست بزنیم و پیراهن کار می کنیم.

از مزد روزانه ام گفتن آبی یاد بیاید. بچم که هر روز ۲۰۰ ریال به
عنوان صبحانه ۳۰۰ ریال ناهار و ۳۰۰ ریال شام از این مزد کم
می شود. صبحانه نان و پنیر است و برنج است که برای ناهار و شام
تعمیر کرده اند فقط روزی کف می خورد دارد. هفته ای چند بار ناهار
یا شام نمی دهند معلوم است از ناهار و شام روز قبل. اگر غذایی
به دلیل کیفیت بد ضرر می خورد و میماند آن را در سطل ریخته
می کنند و بعد از آن هر کارگری می خورد و میزند تا همه می خوردند
آن را بخورند. چند هفته قبل چنین برنامه ای چند بار تکرار شده
و غذای مانده را آن قدر دور ریخته اند که خود کارگران در آن ناچارند

هر روز با طالع خوشه از خواب بیدار می شویم و در حالی
که هنوز به چشمان خواب است و چشم دیگر به درازان و پیشتر
را حیدرآباد و نهمید می بلیم و با نشان در سطل کار ما خبری نمی
آورد برای دقایق روز تحمل گرما و خسری در بوشهر آسان شو
است. اما این شتاب فقط برای مدت کمی می تواند باشد زیرا به
صحت خوشه خود را در آسمان بالا می کشد و ما محظوم زیر تابش
بی آمان کار را در محوطه وسیع و بیابان نیروگاه ادامه می دهیم. در
تمام این مدت کارگران می بینند که آلمانی که به جهت از داخل
ساختنشان این محظوم به کتف برای حد اکثر نیم ساعت خارج می شوند
و به سرعت می آیند با ناسزا و تازها و در این فضا با افراد آریسه
تند کارگر می کشند و اگر نتیجه محظوم نشان را نگویند از سلاح
- اهرام - استفاده می کنند.

آنها هرگز با کسی که دست دارند و توسط آن حضور و
غیاب و سر وقت کار را در زیر آفتاب سوزان کنترل کرده به یکدیگر
گزار نمی دهند. اغلب بعد از این سرکشی ها به یکدیگر میگویند
برایشان بزرگه. اندکی روز بعد از خوردن چند لیوان آبجوش
ساخت در حالی که ماند گوشتشان را خارج می کنند و دیگر به سر
ما می آیند در دست لحظاتی است که ما نیز آفتاب از تنسنگی
می سوزیم و از روی یک قطره آب آریسه. این آرزو را که نالوست ها
باید در سینه دفن کنیم چون آن ها اجازه نمی دهند برای آب
خوردن به یکدیگر آفتاب بزنند. این تنگسیر و این آرزو در
یک حلقه خلاص می شود و روی همه بچه های آریسه فارسی و همی
به خط کارگران نوشته شده است "فدای لب نشسته ات". همه از

حفظان ضد بی دردی با اصفهان

از حدود یک سال پیش که برخی جریانها نسبتا خردی بی هوشی
در منطقه اصفهان به ویژه در شهر نجف آباد و روستاهای
اطراف آن آشکارا شدند مردم محطه به ویژه در نجف آباد به
ظهور آمد از طایفه و حیوانات به آزاده استان با تیران برای
سخرانی در ساحل و حسیته ها دعوت می کردند. تا این
که مردم به تازمان پیش یکی از این حیوانات در حالی که از تیران به
تصف آباد وارد شده بود اجازه نداشتند که در سمت این شهر به
سیر برود. این وضع اعتراض شدیدی در مردم را برانگیخت و بیرون
بی گذر از با اهرام انتظامی به حای ترمید و دست سواک مظهر
ان با اهرام برنده رسید. هیچ کس نمی توانست در عرض این اعتراضها
خداست های مردم می رژیم در میان اینها اعتراضات و بی هوشی
برای کردند. در سینه هجوم بی سر و کتاف تازمان که در
درد این مردم شدند. به دنبال این ما را که ما را با امدادی
از اهرام با اهرام فرستاده شد و شهر نجف آباد بیکاره به
آشما: کسب و کاری ما در این شهر با اهرام در آمد ماه ترمید
مرد بی هوشی حکومت ای برقرار است. مسجد بزرگ نجف آباد هم
مغلا بسته شد و این اعتراضات محظوم بی هوشی و بی خردی در آن
جنگل و بی هوشی آمد. مردم که سندی مرده و محدود و سواک
زده را قبول ندارند به عنوان اعتراض این اقدامات خشن بود
بی هوشی و مردمی را در میان و در حاشیه مغازه ها و پاره روستا
نماز می خوانند. آرمس خود را با اهرام است که سواک در برابر
این نمایش اعتراضی مردم در در دادگاه افتاد بودی تازمان ای
است.



نقل و انتقال در زندانها

رژیم به تازمان نقل و انتظامی را در زندانهای سیاسی آغاز
کرده است. هفته گذشته شکرالله پان نوری (از رهبران گروه
فلسطین) و نسیم خاکسار (نویسنده معروف) را به زندان
اهواز برده اند. زندان جدید اهواز که سال گذشته افتتاح
شده و همه بزرگی از سیمان و آهن است که در پایان تفرقه های
دره کیلومتری اهواز قرار دارد. در بزرگی این شعبه چنان
بند است که از درین آن حتی لوله های بند کار آستینوشه کشان
می سوزند و سینه های آن از چند کیلومتری دیده می شود
نی توان دید.

در هفته های اخیر گروهی از زندانیان را از تبریز به اصفهان
و گروهی را از اصفهان به مشهد منتقل کرده اند. نقل و انتظامی
حیوانات از اهرام دارد. رژیم این ترتیبی که زندانیان را
طریقت زندانهای قدیم و جدید خود برای حاد کردن زندگان
خلق و سازار آزاد چهره ها که میزبان زندانها در میسرمان
آریامبری اسرو می شوند استفاده کند.

تعمیر ۱۲ روحانی آزاد میخواه

همان خورگ در شماره گذشته "تعمیر" میخواندیم ۱۲ تن از
روحانیین آزاد میخواه را که بطرف بوشهر از اهرام به اهرام
آریامبری در سو استفاده از بی هوشی برای فریب و تحقیر خود
وسیع مردم و حدی با به های لوزان خود به بیارزه انتشارات
وسعی شنه سخری ها و حیات های در اوردند حاکم پرکنور
ما برده است. از سواد و مباحثی می باشد. تحت امر خود را
بلند کرده بود. به شهید ای در امانه و رستممان و اهرام نشهر
و زاین تعمیر کرده است. آلمان شیخ عبدالرحیم بیانیسی
شورایی محمد علی خلغالی محمد حیدر احسنی کرمانی و
مهدی ربانی اشقی رسید علی حاشه او و زین علی تبریزی از
جنبه تعمیر شدگان هستند.
ما رفتار خشن و بی حرمانه رژیم را نسبت به این روحانیین آزاده
حکوم می کشیم و حرکت خواستار بازگشت آنان از تعمیرگاه آزادی
کامل فعالیت های فرهنگی خواهیم داشت!

در راه دمکراسی و حقوق بشر...

چندی پیش ۳۰ تن از روشنفکران سرشناس ایران به راه وطن نامه سرگشا در پای به دیوگ ساریان طل متعهدین هملا م تاسیس "کمیته ایرانی دفاع از دمکراسی و حقوق بشر" برآمدن نفس حقوق بشر در ایران را توسط رژیم استبدادی شاه چنسمین برشودر اند .

۱- طلب آزادی و مقیده و بیان آزادی و لبتجاسات و انتقادات در سبب عدم تحمل ملامت و نظریات مخالفه .
۲- ترفیق خرفه قضی و خود سرانه هزاران نفر از زجود ویر و صوان حتی جوانان خیر و به طور گنی ترفیق افراد مخالف استبداد و معترضه اشتقاق سیاسی .

۳- مهارت به انواع تشکیه های جسمی و روحی منتهی به مرگ یا نظرفض و ناتوانی های دانی طری علم طبع صریح قضی بر طبق ماده ۱۳۱ قانون میازات ایران کسبازات سه تا شش سال زندان برای مرتکب تشکیسه تعیین کرده است .

۴- ملامت تشجین سیاسی (مخالفین و روشنیاست هیت حالکه) در محاکم قضای توسط افسرانی به نام قضای که نیز نظر و سلطه مستقیما به شاه فرارزند . محاکمات در محیط خرفه قضی آنگده از فشار و اشتقاق انجام می شود . موضوع اتهام در اغلب موارد اشتقاق خواندن پلمبا چند کتاب ایتنالی و سیاسی و مذهبی یا اظهار نظر عقیده در مورد اعمال و افکار و رفتسار استبدادی پادشاه است .

۵- محکومیت تشجین سیاسی در دادگاههای مذکوره اندامی با همی های طویل اندک به استناد اقرار قضای از زجور تشکیه در مراحل تحقیقا به علت تشکیه افسر با حتی به سبب خودداری از اذعانای حق و اظهارتند امت .
۶- خودداری نظام سلطنتی از قبول تقاضای فرجام منگومن سیاسی (متخاصنه در کشور با برخلاف تمام موازین حقوقی و انسانی به موجب قانون ارتجاعی قضای از رژیم استبدادی در قوت تقاضای فرجام منگومن از آمدن ادگای های قضای به موافقت نظام سلطنت متولد شده است این خود اوقی دلیل نظر اساسی نرسن حق قضای و حیوانی هراسان است .

۷- گشتار بر روحان عده از جوانان تحصیل کرده در خانه ها - در دانشگاهها - خیابانها - و کورجسه ها به دست مامورین آنگار و تنبا پلمس بدین آن که اتهامات انسانی به آنان صحت داشته باشد .
۸- محسوس داشتن مخالفان بدون تعیین تشکیه آنان .
۹- خودداری از آزاد کردن عدهای از زندانیانی که مدت محکومیت آنان قضی شده است .
۱۰- محروم ساختن زندانیان از ملاقات حتی ملاقات با اقوام نزدیکه و سریره اقی .

۱۱- محسوس شدن تشکیه گانگیا و ملامت و انتقادات و طویحات و محصر آنها به چند روزنامه دولتی یا وابسته به دولت که تحت نظر مامورین خفی منشر می شود .
۱۲- تعطیل بسیاری از مراکز قضی نروم با محسوس زجسود تمسید مراجع نظید و شخصیت های مذهبی .

۱۳- استنقار نظامی ته جزئی بهمنوی محصر احزاب و جمیعت ها و احتیاجات سیاسی بهمنوی واحد رستاقوزیکه به تمام نظام سلطنت تاسیس یافته است .
۱۴- طلب امکان شرکت واقعی مردم در انتخابات مجلس و انجمن های امانتی و ولایتی - و منسروط سلطنت (انتخابشدن) به عضویت در حزب واحد رستاقوزیکه آروکای برای گاندبد اهای پادشاه بودیت با توسطه تئیدید و ارماب و شایعات افسراب انگیز و بالنتیجه سلب همت و صفت نمایندگی مردم از جبهه کینه .
۱۵- نظر صریح اصل تشکیه فرادیندانه و تقوی همتنه .

قصایه (اجزایه) و تکرر عملی اختیارات هرسه قوه در ملامتند .

۱- کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران و پیشرو آن " که نظرفض در لاریس (فرانسه) است نیز نظی طلا به ای هدف های خود را در دفاع از حقوق و آزادی های مردم ایران چنین شرح کرده :

۱- دفاع از حق مردم ایران در تعیین سرنویت کشور منقضی و ادجاسمکومت مردم برودم با انتخاب مراحمی که براسادار فرما سولکت در کلمه سطح آن صالح می دانند . از طرفی انتخابات آزاد و صوبی برای منقضی و صوابی .

۲- دفاع از کلمه حق مردم ایران در انبورد اشتقاق استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و دفاع از حقوق مردم ایران در جوره بر روی کامل از ترفوت های طبیعی و انسانی کشور در راه بهبود زندگانی خیرتر مبارزه با هر نوع سیاست استعمار در راه به تمام من حق .

۳- دفاع از حقوق و آزادی های مردم سایر کشورهای جهان که مورد تجاوز رژیم سرکوب ایران قرارگرفتند .
۴- دفاع از کلمه حق و آزادی های مردم ایران و اجتماعی مردم ایران در زمینه اندیشه و دین و ورام با آزادی بیان آزادی و ظم و مطبوعات و نظایرات و تشکیلات احزاب و جمیعت ها و مبارزه با هرگونه استبداد و تشکیلات استبداد و هر نوع تجاوز به شخصیت اساسی آدمی از دانشست هو فاجی و تشکیه و تمسید و خلع تابعیت و امثال آن .

۵- دفاع از حق کلیه افراد کشور در داشتن کابو در بهره برداری از ثمره فعالیت خود و دفاع از آزادی و هوار حیات ایتنالی لازم برای ناس این حق مانند تشکیل سندنگاهای آزادی و توسعه به انتخاب و داشتن جبهه های ایتنالی صوبی و امثال آن برای کلیه زمینمکنان کشور .

۶- دفاع از حقوق فردی و اجتماعی کلمه مردم ایران در مبارزه با هر نوع سرکوب و اشتقاق و دفاع از زندانیان سیاسی صرف نظر از نظرفض و شکل و صوبه مبارزه مکنان .
۷- دفاع از حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی کلیه ایرانیان بقم خارج کشور در برابر هر نوع تجاوز و تمسید .

کمیته مذکور برای نیل به این هدف ها تا با پیروهای مخالف رژیم راه اتحاد و همکاری صوت کرده است .
شرایط و امکانات جدید در ادخل و خارج کشور احباب می کند که داشته فعالیت های گشته در زمینه " دفاع از زندانیان سیاسی " به دفاع از حقوق سستری و دمکراتیکه کسان که در زندان بزرگ تری به نام ایران به سر می برند " ارتقا" باید . بدین منظور ، هر فردی است که کلمه مناصر و کمیته داتره سازمانزبانای ایرانی ، با حفظ شخصیت مستقل و با پوشش خاص مبارزه نمود ، در پیشرو و دفاع از حقوق فردی و آزادی های دمکراتیکه مردم ایران پیش از پیش تشکیه سازی و همکاری کند تا با هم آهنگی نیروها و احصا عمل بهتر بتوان از خیرات تفرق و در بهره گیری اخترا از جمیعت پیشروان افکار و اراده آزادی و خواهان زمینمکنان ایران و جهان راه نفع استقلال و هاری مردم ایران بسج کرد .

حزب توده ایران که از مدتها پیش برای اولین بار شعار اتحاد همه نیروهای مخالف رژیم استبداد در شاه را در یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری به منظور سرنگ کردن رژیم مطلق سلطنتی کتبی و به عنوان شعار تاکتیکی خود بوظیفه مردم همه آزادی خواهان بترکیده ، از گرایش به واقع بینی سیاسی و درک ضرورت اتحاد در صفوف مبارزان قدریم پس شادمان است و به دعوت اتحاد جو یافته " کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران و پیشرو آن " به دیده تأیید و تمسید می نگرد و آمادگیست در ایتنالی همتی این شعار تمام صفی و امکانات خود را به کار اندازد .

قطب "خبر-شاه"

در خورم آبسار

روزهاشورا مردم خرم آباد که سوابق طولانی و پرشوریه و مبارزات ضد دیکتاتوری و آزادیخواهانند از بند به شیوای بلندآوازی سرانجام حیات تنگن شایرا به نمایش گذاشته .

ما چرا از این فرلر بود که نزدیک های طویروزهاشورا همتا که مراسم سرگوری به اوج خود رسیده بود ، حوی در شبانان های اصلی شهر ظاهر شد و توجه مردم را به خود جلب کرد . روزی و تن سفید خور صورت و هیبت شاه جلاد با هرانه نقاشی شده بود . "خبر-شاه" بی توجه به استقبال مردمی که در میان خست های بی حسی او ایستادست به بگدنگ نشان می دادند ، آرا گرام از میان جمیعت صوبی کرد و نگاه ویژه خود را بر او ابراز احساسات مردم تکان می داد . تا ما همین سوارک خرم آبسار آمدند که از ماجرا باخبر شوند و با کلمه بکنند عده زیادی از مردم به دیدار "خبرشاه صولت" حقیق شده بودند . در وضعی شاه به "خبر-شاه" حمله کردند اما خرمجوش با به فرارگذاشت . تلاقی ساراگی ها که به دنبال "رهبر خرم بند" خود می دیدند و چونسی "خبر-شاه" نظره صحتی به وجود آورده بود ، سرانجام به دستگیری خرمجوش شدند اما هرچه تلا ترگزند نتوانستند صورت شاه را از صورت خرم پاه کنند . نظایر جبهه دست با شترندی و بسیار صورت خرم را با "نشان سارک شاه ساهسان" آراسته بود ! ساراگی ها سرانجام ، به حیره در سینه و حسی خود منسل شدند و خرمجوش را با جابه جا گشتند و نشان می شان ل شاه را با پوست خرو از تنش جدا کردند تا در سوره برتنی باشد برای دیگر "خران" که جاده ا جرات کنند یا (پشیمندم) سرگشتی شاه شاهان کند ! ...

صورت م

مراسم روز عاشورا راه تظاهرات پرشور

علمه رژیم استبدادی شاه تهیدیل کردند

خبرهای رسیده از تظاهرات پرشور مردم در روزهای اول ماه رهم همدنی و اشهدادی شاه حالی آن است که سلسلایان مبارز آزادیخواه صوبی تا به وفاداری به سنت های درخشان و حماسی قیام روز عاشورا ، بانگ اعتراضی خود رطلعه طلم و ستم مزید زمانه بلند کرده و تظاهرات گسترده و افشاکرانه ای را بر سر پا کرده اند .

در تهران در روزهای اول دانتی و نام مبارز آزادیخواه به میان مردم رفتند تا آنها در آمیختن با مردم برای برپا کردن راه هرچه رستار فریاد زندی . در خیابانهای صوبی و کورجسه که وجهار و سرچشمه و طرحی سجد شده نیز در خیابانهای وسیده دست های بزرگ تظاهرات کنندگان با شعارهای طویروزیم خود گاه و چبار شاه بر روی آزادی زندانیان و تمسید شدگسان سیاسی به راه افتادند و مردم فوج فوج به تظاهرات گانگوشد .
امتظاهرات مردم در همه جا با تهاجم و حشمت پلمس آرا صوبی و پیروشد . عدهای مخرج و بیج گشوی از مردم دستگر شدند . در شورا صد ها جوان دانشوری دختر و سرور مردم شاه جراج تظاهرات پرشور و رطلعه رژیم استبدادی برپا کردند . در کرمان و شازند لراه نیز تظاهرات شایه برپا شد که با تهاجم گرازه های رژیم بازداشت و صوب مردم پیروشد .

در زنجان در سجده بزرگ شهر بنام "سجد ملام" پیروان اصیل و سنت های شرقی اسلامی در باره عدالت ، مبارزه و آزادی و پیروزی حق بر باطل به تفضیل سخن گفته شد و در خانه مردم علمه استبداد موجود بر لره آزادی "شمار دادند . برخی از دیگر شملرا چنین بود نمکه بیشتر از این زندگی تنگین است . . . زندگی یعنی مبارزه در راه عقیده و ایمان . . . در در شو شتر و در زبول نیز تظاهرات شایه برپا شد . در زبول جوانان شرقی مذهبی در میدان مرکزی شهر اشاعت و تظاهر کردند و بطیبه رژیم مزیدی شاه شمار دادند . خبرهای رسیده و حالی است که گیتا تا ۱۰۰ نفر پلمس بازداشت گسردند است .

در بهبهان نیز تظاهرات و حرکات اعتراضی شایه صوت گرفت که ضمن آن اعلامیه های نوظیفه رژیم سلاک آرا صوبی بسن مردم بخشیدند . در بهبهان ۱۲ نفر توسط پلمس بازداشت شدند .

تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری شرط لازم برای سرنگونی رژیم شاه است!